

شاخصه‌های عدالت در اندیشه سیاسی علوی

قاسم بستانی^۱

فاطمه بهشتی^۲

چکیده

یکی از مفاهیم مورد توجه دانشمندان و اندیشمندان سیاسی در نظام‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی اجتماعی گوناگون، عدالت بوده و در این باره آراء و نظرات گوناگونی در مورد شاخصه‌ها و ویژگی‌های اساسی این مفهوم بیان گردیده است. با ظهور دین مبین اسلام و جهان‌بینی خاص این مکتب در نگاه به انسان و جامعه و هم‌چنین سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام در اجرای این جهان‌بینی الهی، شاهد توجه ویژه این بزرگان به نوع خاصی از عدالت می‌باشیم که به هیچ وجه در تاریخ بشریت سابقه نداشته است. بدین صورت که عدالت را نه تنها در بعد اجتماعی و بیرونی بلکه در بعد درونی یعنی تزکیه نفس و تقوای فردی نیز مورد عنایت

۱. دانشیار گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز f.beheshti@yahoo.com

قرار داده و آنرا مقدمه رسیدن به عدالت اجتماعی دانسته‌اند. یکی از شخصیت‌های نامدار این مکتب در اجرای این مهم امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌باشد به گونه‌ای که در تاریخ بشریت، همواره نام وی قرین عدالت بوده و همگان حتی مخالفین نیز به ویژگی بارز عدالت طلبی ایشان اذعان داشته‌اند. نوشتار پیش رو بر آن است با بررسی موشکافانه سیره عملی امام علی علیه السلام و سخنان گهربار ایشان در این باره به بازشناسی شاخصه‌های عدالت در منظومه فکری سیاسی این شخصیت برجسته بپردازد.

واژگان کلیدی: امام علی علیه السلام، عدالت، نهج البلاغه، سیره عملی، منظومه فکری

۱ - معانی لغوی و اصطلاحی عدل و تطبیق آنها با عبارات نهج البلاغه

۱-۱- یکی از معانی عدل، استقامت است و در مورد راه و طریقی به کار می‌رود که بر خط راست و مستقیم باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶ق: ۴۱۸)

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «رعیت اصلاح نمی‌شود مگر با اصلاح زمامداران و زمامداران اصلاح نمی‌شوند مگر با استقامت رعیت. پس هرگاه رعیت حق والی را ادا کند و والی حق رعیت را بپردازد، حق در میان آنها عزت می‌یابد؛ راه‌های دین خالی از انحراف می‌گردد و نشانه‌های عدالت استوار می‌شود.» (شهیدی، ۱۳۸۳: ۵۲۹)

۱-۲ - معنایی در مقابل ظلم: «ظلم، عبارتست از قراردادن چیزی در غیر جایگاهی که به آن اختصاص دارد، به واسطه نقصان، کوتاهی یا زیاده‌روی در آن چیز یا به سبب تجاوز از وقت و مکانش» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶ق: ۳۱۸)

در حالی که عدل هر چیزی را در جایگاه خودش قرار می‌دهد. «العدلُ يَضَعُ الامورَ مواضعها» (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۷: ۱۱۹۱)

۳-۱ - میانه‌روی در امور (نداشتن افراط و تفریط): خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ما شما (امت اسلام) را امتی وسط قرار دادیم (بقره: ۲، آیه ۱۴۳). یعنی برای امت اسلام دینی را قرار داد که متدین به آن را به سوی راه وسط و میانه، هدایت می‌کند. راهی که در آن افراط و تفریط نیست. (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۸۱)

در این باره نظریه فلاسفه اخلاق مانند افلاطون و ارسطو نیز قابل توجه می‌باشد. افلاطون در طرح ریزی آرمانشهر پیشنهادی خود در کتاب جمهور پس از بررسی نظریات گوناگون در مورد عدالت سرانجام نظریه‌ای را می‌پذیرد که در پرتو آن هر کس بر اساس جایگاه طبقاتی خود که با استعداد ذاتی وی منطبق است وظیفه خود را انجام می‌دهد. بر این اساس عدل در انسان بر اساس نسبتی صحیح میان غرایز خرد، شجاعت و خویشتن داری حاصل می‌شود. (افلاطون، ۱۳۶۸: ۲۳۶)

اما ارسطو در بررسی مفهوم عدالت، مفهوم حد وسط را مطرح کرده و آنرا معیار فضیلت در نظر می‌گیرد. وی با توجه به همین امر عدالت را نیز به عنوان حد وسط افراط و تفریط معرفی می‌کند. برای مثال حد وسط بزدلی و بی‌باکی، شجاعت بوده و بر خلاف عدل و در نتیجه رذیلت به شمار می‌آیند. پس مفهوم عدالت در دیدگاه ارسطو «فضیلت» تلقی شده و ارسطو توضیح می‌دهد که هر یک از فضیلت‌های یک شخص به مجموعه فضیلت‌های او وابسته است و رابطه تناسبی دارد. این تناسب، یعنی حد وسط و میانه آنها، مطابق عدالت است؛ بدین سان وی عدالت در فرد را برابر با همین تناسب درونی و نظام معین و عدالت در جامعه را نیز به معنای تناسب در توزیع امکانات بر اساس قابلیت‌های هر شخص در نظر می‌گیرد. (ارسطو، ۱۳۵۶: ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰)

۲ - معانی عدل از دیدگاه قرآن کریم

ریشه اصلی مسئله عدل را در درجه اول، باید در قرآن کریم جستجو نمود. زیرا

عقل و دین، سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ►

قرآن است که بذر اندیشه عدل را در دل‌ها آبیاری کرد و دغدغه آن را در روح‌ها ایجاد نمود. قرآن کریم تصریح می‌کند که نظام هستی و آفرینش بر عدل و توازن بر اساس استحقاق و قابلیت‌ها است. عدالت در قرآن در موارد بسیاری مانند نفی ظلم از ساحت کبریایی، توجه به هدایت انسان در قالب ابلاغ و بیان دین و تمام کردن حجت بر انسان به عنوان شانی از شئون پرودگار، ملازمه میان عدالت و خلقت و در نتیجه مبتنی دانستن خلقت با مفهوم عدل بیان گردیده است. از همه اینها گذشته در برخی آیات، از مقام فاعلیت و تدبیر الهی به عنوان مقام قیام به عدل یاد شده است:

﴿ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ ﴾ (آل عمران: ۳،

آیه ۱۷)

و یا عدل را ترازوی خدا در امر آفرینش می‌داند:

﴿ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴾ (الرحمن: ۵۵، آیه ۹)

همچنین در قرآن کریم تصریح شده که حکمت بعثت و ارسال رسل اینست که عدل و قسط بر نظام زندگانی بشر حاکم باشد:

﴿ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ﴾

(حدید: ۵۷، آیه ۲۶)

در این کتاب آسمانی بی همتا، از توحید گرفته تا معاد، از نبوت گرفته تا امامت و زعامت، و از آرمان‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی، همه چیز بر محور عدل استوار شده است. عدل در قرآن، همدوش توحید، رکن معاد، هدف تشریح نبوت، فلسفه امامت، معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع است. (مطهری، ۱۳۵۷: ۳۸-۳۵)

۳ - نسبت میان عدالت و سیاست در اندیشه امام علی علیه السلام

یکی از تفاوت‌های بنیادین در تعریف عدالت میان اندیشه امام علی علیه السلام و دیگر

مکاتب مانند سیوسیالیسم و لیبرالیسم توجه به عرصه‌های درونی (تقوی و پرهیزگاری) و بیرونی (دایره رفتار انسانی) به طور توأمان می‌باشد. بدین صورت که در دایره معرفتی ایشان عدالت، بایستی نه براساس پدیده‌ای مقطعی بلکه به عنوان ملکه‌ای نفسانی و راسخ در رفتار انسان ظهور و بروز یابد. بر این اساس، در خطبه همام ضمن بیان صفات متقین، می‌فرماید:

«... کسی که سجیه تقوی دارد به دشمن خود نیز ستم نمی‌کند.» (شیروانی،

۱۳۹۰: ۱۲۹)

پس در اندیشه مزبور عدالت درونی و تحقق آن به عنوان ملکه‌ای نفسانی اولویت داشته و زمینه‌های تحقق عدالت بیرونی و عملی را در نظام سیاسی محقق می‌کند. بنابراین سیاست و ملزومات آن نیز باید با این تعریف از عدالت منطبق باشد. بر همین اساس است که ایشان عدالت را به عنوان «ملاک و محک برای سیاست» در نظر می‌گیرند. (تمیمی، ۱۳۷۸: ۳۲۳)

با توجه به این امر شاخصه‌های عملی و نظری در سیره سیاسی امام علی علیه السلام عبارتند از:

۳- ۱- حاکم

در اندیشه امام حاکم و یا رهبر جامعه اسلامی باید فردی باشد که از حال ضعیف‌ترین و بینواترین مردم مطلع بوده و با زندگی در سطح آنان از حال آنان مطلع و در جهت رفع گرفتاری‌های آنان بکوشد. ایشان در نامه‌ای به عثمان بن حنیف فرمانروای بصره می‌نویسند:

«اگر بخواهم از غسل تصفیه شده و مغز گندم و بافته ابریشمی بهره گیرم، راه آن

را می‌دانم، ولیکن دور است که هوس بر من چیره شود و مرا به خوردن غذای

لذیذ وادار کند و شاید در حجاز و یمامه کسی باشد که به گرده نانی دست نیابد و شکمی سیر نتواند کند. آیا من شب‌ها را در سیری سیری کنم و در اطراف من شکم‌های گرسنه و جگرهای تفتیده باشد. آیا به این دل خود را خوش دارم که مردم مرا امیرمؤمنان گویند و در ناگواری روزگار با آنها شریک نباشم و در سخت‌ترین شرایط زندگی با آنها سهیم نباشم و در زندگی سخت نمونه‌ای برای آنها نباشم؟» (شیروانی، ۱۳۹۰: ۴۷۵)

چنین شخصی «پیشوای عادل است که خود هدایت یافته و دیگران را هدایت می‌کند. سنت را بر پا می‌دارد و بدعت‌های ناشناخته را می‌میراند...» (همان: ۳۲۵) هم چنین صفت عدالت در چنین رهبری همواره موجب مراقبت و سخت‌گیری در اموال بیت‌المال از سوی وی می‌باشد، به گونه‌ای که حاکم در جامعه اسلامی نباید به مال مردم چشم داشته باشد و به آنها طمع ورزیده و یا بر آنان ستمی روا دارد؛ او می‌فرماید:

«به خدا سوگند، اگر شب‌ها مرا بر روی خارهای درشت بگذارند و با غل و زنجیر بکشانند، برای من بهتر از آن است که خدا و پیامبرش را در حالی دیدار کنم که بر برخی از بندگان خدا ستمی کرده و یا به مال آنها چشمی دوخته باشد و چگونه به کسی ستم کنم برای جانی که به سوی بلاهای آخرت می‌شتابد و بیکری که روزگارانی دراز در زیر خاک می‌ماند.» (همان: ۴۸۹)

۳-۲- جنگ

تجلی عدالت در اندیشه امام حتی میدان جنگ و لزوم رعایت اصول انسانی و اخلاقی در نبرد با دشمنان را نیز در بردارد. ایشان در نامه‌ای به برخی از فرماندهان جنگ می‌نویسد:

«از خدایی بترس که از دیدار او ناچاری و جز آستانش پایانی نداری. جنگ

مکن مگر با آن که با تو بجنگد. در خنکی بامداد و پسین راه بسپار و در گرمگاه سپاه را فرود آر و در رفتن شتاب مدار. سر شب راه مرو که خدا آن را برای آسودن قرار داده است و بار گشودن نه کوچ کردن... و کینه آنان شما را و ندارد که جنگ را آغاز کنید پیش از آن که آنان را به راه راست دعوت کنید و درعذر را برویشان ببندید.» (شیروانی، ۱۳۹۰: ۶۵۷)

۳-۳- دادرسی و قضاوت

منصب قضاوت یکی از مواضع بسیار حساس در سیره و کلام امام است. بدین دلیل که قاضی، مجری عدالت است و در این زمینه بایستی با داشتن علم و آگاهی، مواضعی عادلانه پیشه گرداند. آن حضرت می‌فرماید:

«به امر قضاوت بین مردم نظر کن، مانند کسی که به منزلت حکم و قضاوت نزد خدا عارف است. حکم و قضاوت، معیار و میزان عدالت خداوند است که در زمین به منظور احقاق حق منصفانه مظلوم از ظالم و گرفتن حق ضعیف از قوی و برپایی حدود خدا بر اساس سنت و روش الهی وضع شده است. امر مردم و بلاد جز با اقامه این حدود اصلاح نمی‌شود» (همان: ۸۵) و به ابن عباس می‌فرماید: «این حکومت را نمی‌خواهم مگر برای اینکه حقی را اقامه کنم یا باطلی را دفع کنم» (همان: ۸۶)

یا در جای دیگری خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

«برای داوری میان مردم از رعیت خود کسی را برگزین که نزد تو برترین است. آنکه کارها بر او دشوار نگردد و ستیز با دشمنان او را به لجاجت نکشانند و در خطا پایدار نبود و چون حق را شناخته در بازگشت بدان درنماند و نفس او به طمع ننگرد و برای رسیدن به حق، به اندکی شناخت بسنده نکند و در شبهه‌ها

درنگش از همه بیشتر باشد و حجت را بیش از همه به کار ببرد.» (همان: ۲۷۹)
بدین ترتیب احقاق حقوق مظلومان، رعایت عدل و انصاف، برپایی و حدود و شعائر اسلامی از مهم‌ترین دغدغه‌های دستگاه قضا در اندیشه امام می‌باشد.

۳-۴- مشورت و شورا

اصل مشورت و کمک گرفتن از دیگران برای امور مختلف (به غیر از وحی) نه تنها منافاتی با عدالت ندارد بلکه موید آن بوده و در تامین مصلحت عامه و منافع جمعی و همگانی به پیدا کردن راه عادلانه در این خصوص منجر می‌گردد. در واقع استبداد در تصمیم‌گیری موجب بی‌عدالتی در سرنوشت دیگران و عدم رعایت حقوق آنان و در نتیجه منافی عدالت می‌گردد. رواج مشورت در امر حکومت به کاهش عنصر خطا و اشتباه و متضمن عدالت اجتماعی می‌شود. امام می‌فرماید: «هیچ پشتیبانی چون مشورت کردن کمک نمی‌دهد...» (مجلسی، ۱۳۲۹ق، ج ۴۱: ۱۰۵)

۳-۵- مردم

یکی دیگر از تجلیات عدالت علوی با کنش‌های سیاسی و جمعی مردم در نظام حکومتی مبتنی بر عدالت‌گره می‌خورد. در صورت تحقق شاخصه‌های مورد نظر امام علی علیه السلام در این باره، عرصه سیاست مستوجب نوعی اعتماد متقابل میان حاکمان و مردم و مشارکت آگاهانه و عالمانه مردم در امر سیاسی و در نتیجه کسب مشروعیت برای سیستم سیاسی می‌گردد. ایشان می‌فرماید:

«عدالت، موجب پایداری ملت و آبروی حاکمان است.» (خوانساری، ۱۳۶۵: ج ۲، ۹۰)
امام همواره به حقوق مردم به عنوان حکومت‌شونده حساسیت بسیاری داشته و سعی در تقسیم عادلانه و مساوی در توزیع بیت‌المال داشت. در میان عرب و عجم

کوچکترین تفاوتی نمی گذاشت و در مقابل اعتراض طلحه و زبیر در قبال اینکه «حق ما را در تقسیم بیت المال با دیگران مساوی قرار داده ای!» فرمود: «این شیوه تقسیم رسول خدا ﷺ بود که حکم قرآن نیز همین گونه است و رسول خدا کسانی را که در راه خدا با جان و مال جنگیده بودند در تقسیم بیت المال با دیگران مساوی قرار می داد. (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۷: ج ۷، ۷۲۷)

هم چنین ایشان با برخوردی قرین با مهرورزی و عطوفت سعی در حل مشکلات و رفع نیازهای مادی و معنوی مردم داشته اند که این امر در فرمان به مالک اشتر تجلی یافته است: «دلت را برای رعیت پر از مهر و محبت و لطف کن و بر آنها درنده آزار دهنده ای مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری.» (شیروانی، ۱۳۹۰: ۶۲۰)

۳ - ۶ - حقوق اقلیت های دینی

امام علی علیه السلام به عنوان رهبری عادل توجه و عنایت ویژه ای به دیگر عقاید و مسلک های دینی در جامعه زمان خویش داشتند. حقوق طیف های گوناگون مذهبی و سیاسی در جامعه تحت رهبری ایشان آنچنان با پایه های عدالت محوری بنا نهاده شده بود که به تعبیر جرج جرداق «تمام وصایا و نامه های امام به والیان حول یک محور واحد بود و آن عدالت بود.» (جرداق، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۲۰) در این زمینه نقل است که امام با دیدن فردی مسیحی که در گذشته به مردم خدمت کرده بود و حال با چشمانی نابینا به گدایی می پرداخت فرمودند: «در روزگار جوانی او را به کار گماشتید و چون پیر و عاجز شد از حق خویش محروم ساختید و پس از آن به خازن بیت المال دستور داد تا امور معیشت او را از صندوق دارایی عموم بپردازند.» (عاملی، ۱۴۰۳: ج ۷، ۶۶)

یشان با کسب آگاهی از بی حرمتی سپاه معاویه در هجوم به خانه یک زن یهودی و ربودن زیورآلات وی فرمودند: «اگر مرد مسلمانی از ناراحتی این امر بمیرد قابل

ملامت نیست، بلکه بدان مرگ قابل ستایش نیز هست.» (جرdaq، ۱۳۷۹: ج ۱، ۸۹)

۳-۷- نظارت بر امر والیان حکومت

نظارت بر امر مسئولین حکومتی و حسن اجرای عدالت به شکلی بنیادی در سیره نظری و عملی امیر مومنان مشاهده شده است که موجب نگرشی مسئولانه و مدبرانه بر عزل و نصب حکمرانان و والیان حکومتی می‌گردد. برای نمونه، در نامه‌ای تهدید آمیز خطاب به زیاد بن ابیه، جانشین حاکم بصره (عبدالله بن عباس) می‌نویسد: «به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی به راستی که اگر به من خبر دهند که تو در حق مسلمانان خیانت کرده‌ای - چه کم و چه زیاد - چنان بر تو سخت گیرم که فقیر و درمانده از مخارج زندگی و ندار و پریشان حال گردی.» (شیروانی، ۱۳۹۰: ۷۵۲) در واقع زمامدار عادل بایستی به طور دقیق مراقب اعمال کارگزاران خود بوده و لحظه‌ای از حال آنان غافل نباشد. (بهشتی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۸۰)

هم چنین ایشان به نیازهای مالی کارگزاران حکومتی توجه داشته و برای جلوگیری از ایجاد حس طمع در میان آنان نسبت به بیت المال و یا عدم تاثیر آنان نسبت به بده بستان های ثروتمندان نسبت به تامین این گونه نیازها دقت نظر داشته‌اند. در این خصوص در فرمان به مالک اشتر می‌نویسد: «سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار؛ زیرا این کار آنها را در اصلاح خویش تقویت می‌کند و از خیانت در اموالی که زیر دست آنهاست، بی‌نیاز می‌سازد.» (همان: ۷۶۹)

۳-۸- قانون مندی

از دیگر اموری که حضرت علی علیه السلام بدان اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند توجه به قانون مندی و قانون مداری و اجرای قانون الهی به معنای واقعی بوده است. آن هم به

گونه‌ای که مقام و موقعیت اشخاص هیچ تاثیری در اجرای حدود و قوانین الهی در قبال آنان نداشت. بدین سان هیچ فردی حتی حاکم جامعه اسلامی حق بیشتری نسبت به دیگر مردم ندارد و با آنان برابری می‌کند. امام علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «برای من است آنچه که برای شماست و بر من است آنچه که بر شماست.» (ری شهری، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۰۵)

از امام باقر علیه السلام روایتی نقل شده است که «حضرت علی علیه السلام مردی از بنی اسد را که مرتکب خلافتی شده بود، دستگیر کرد. گروهی از خویشاوندان وی جمع شدند و از امام حسن علیه السلام خواستند تا با آنان نزد علی علیه السلام برود و از مرد اسدی شفاعت کند، اما امام حسن علیه السلام که پدر خود و التزام وی به قانون را به خوبی می‌شناخت، به آنان فرمود: خود نزد علی علیه السلام بروید، چون وی شما را به خوبی می‌شناسد. پس آنان علی علیه السلام را دیدار کردند و از وی خواستند تا از حد زدن مرد اسدی صرف نظر کند. حضرت در پاسخ فرمود: اگر چیزی را از من بخواهید که خود مالک آن باشم، به شما خواهم داد. آن گروه که گمان می‌کردند علی علیه السلام به آنان پاسخ مثبت داده، از نزد وی بیرون آمدند. امام حسن علیه السلام از آنان پرسید: چه کردید؟ گفتند: قول مساعد داد و سخنانی را که بین علی علیه السلام و خودشان مطرح شده بود، نقل کردند. امام حسن علیه السلام که منظور پدر را خوب فهمیده بود، به آنان فرمود: دوستتان تازیانه خواهد خورد. علی علیه السلام مرد اسدی را بیرون آورد و تازیانه زد، سپس فرمود: به خدا سوگند من مالک این امر نبودم که وی را ببخشم.» (تمیمی، بی تا، ج ۲: ۴۴۳)

۳ - ۹ - عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی یکی از شاخه‌های عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی آنست که در جامعه، حقوق همه رعایت شود؛ و در مقابل آن، ستم قرار دارد که به معنای

پایمال کردن حقوق دیگران است. (میرمعزی، ۱۳۹۰: ۱۷۶)

عدالت اقتصادی، حالتی را توصیف می‌کند که در آن همه مردم، از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه به طور مساوی برخوردار می‌شوند. عدالت اقتصادی به این مفهوم، وقتی در جامعه تحقق خواهد یافت که همه افراد از سطح کفاف در زندگی برخوردار باشند، اختلاف‌های درآمدی در جامعه وجود نداشته باشد و ثروتمندان، حق نیازمندان را بپردازند. (همان: ۱۷۸ و ۱۷۹)

یکی از راه‌های رسیدن به عدالت اقتصادی، باور کردن استعدادهای طبیعت برای بهبود زندگی بشر است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ (هود: ۱۱، آیه ۶۱) (او خدایی است که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت).

حضرت علی علیه السلام در باره این آیه می‌فرماید:

«خداوند مردم را به آباد کردن زمین فرمان داده‌است تا این آبادانی، به سبب آن چه از زمین بیرون می‌آید مانند حیوانات، میوه‌ها و امثال آنها، زندگی آنان را قوام بخشد.»

همچنین به مالک اشتر می‌نویسد: «این فرمان بنده خدا علی است به مالک اشتر، هنگامی که او را به فرمانداری مصر بر می‌گزیند تا خراج آن دیار را جمع آورد و با دشمنان نبرد کند و کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد کند.» (شهیدی، ۱۳۸۳: ۴۴۳) همچنین می‌فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ قُرَّةِ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ» (برترین چیزی که موجب روشنی چشم زمامداران می‌شود برقراری عدالت در کشور است). (همان: ۵۶۵)

با توجه به این مطالب زمامداری در اندیشه عدالت محور امام علی علیه السلام یک وسیله است و نه یک هدف. زمامداری وسیله‌ای است برای رسیدن به اهداف ارجمند؛ یعنی

تثبیت و استقرار انسانیت بر مبنای توحید. از دیدگاه او هر کس پس از او زمامداری را به عهده گیرد، اگر دادگر بوده است خدا به وسیله دادگری اش او را نجات می دهد و اگر ستمگر بوده است صراط چنان او را به لرزه در می آورد که بندهایش از هم جدا می شود. پس در این صورت راه زمامدار باید راه کتاب خدا باشد؛ عدالت برای همه مردم از سوی مردم.

بدین سان عدالت در این الگو دو قطب دارد: حق خود و حق دیگران. وحدت و گردآوردن مردم به صورت یک واحد، هر دو حق را تکمیل می کند. (مولانا، ۱۳۸۰: ۲۱۲)

مولای متقیان به گردش ثروت معتقد بود و از نظر ایشان اصل در مال و ثروت این است که میان مردم دست به دست گردد، نه اینکه در انحصار گروه ویژه ای از جامعه باشد. (همان)

۳-۱۰ - عدالت اجتماعی

مفهوم عدالت اجتماعی را در دو بعد زیر می توان مورد بررسی قرار داد:

الف) بعد نظری و عقلانی که بیان کننده نظریاتی است که در رابطه با چگونگی اعمال عدالت اجتماعی وجود دارد. برای نمونه نظریات کلاسیک که مربوط به یونان باستان می باشد به جنبه هایی مانند «تناسب»، «شایستگی و لیاقت»، «تناسب، استحقاق و شایستگی ها» و در نظریات مدرن به جنبه هایی مانند «مساوات و برابری»، «کنش ها» و «برابری فرصت ها» اشاره شده است. (غنی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۶ و ۱۷)

ب) بعد عملی که از چند جهت در خور بررسی است:

۱- وحدت گرایی و آزادی

۲- سیاسی

۳- اقتصادی

عدالت اجتماعی به عنوان یک مفهوم جامع و همه‌جانبه در سیاست‌گذاری‌های یک حکومت برای اولین بار در تاریخ از طرف امام علی علیه السلام و پس از شکست امپراطوری‌های روم و ایران و فتوحات مسلمین در قاره‌های آسیا و آفریقا پایه‌گذاری شد. امام علی علیه السلام اولین متفکر و رئیس حکومتی بوده که عدالت اجتماعی را جزء لاینفک نظام اجتماعی اعلام کرد. از دیدگاه ایشان عدالت اجتماعی، همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اداری و سازمانی را دربردارد. عدالت اجتماعی امام علی علیه السلام از دو جهت بی‌نظیر است: نخست اینکه دیدگاه او از عدالت اجتماعی با ایمان او به عنوان مردی که از عدالت و وجدان منحرف نشد، منطبق و همسان می‌باشد. دوم اینکه او تنها متفکری بود که به این دیدگاه جنبه عملی داد و به عنوان رئیس یک حکومت، نظریات عدالت اجتماعی را جامه عمل پوشاند. (مولانا، ۱۳۸۰: ۱۹۵)

در اسلام، حق، مبنای مشروعیت هرکاری است و بنابراین آن چه حق نیست مشروع هم نیست. مثلاً در مورد آزادی، هر آزادی در اسلام حق نیست و نمی‌تواند مشروعیت داشته باشد. اهدای آزادی به شخصی که حق و حقوق افراد را از بین ببرد نه تنها قانونی نیست بلکه عدالت جامعه را به خطر می‌اندازد.

از نامه امام علی علیه السلام به سهل بن حنیف انصاری که از جانب او بر مدینه حکمفرما بود آشکار است که عدل و دوستی، شاخص مسئولیت و آزادی در جامعه است:

«عدل و راستی را از روش ما شناخته، دیدند و شنیدند و در گوش دارند و دانستند مردمی که نزد ما هستند در حق برابرند، پس (بین آنها چیزی تقسیم نمی‌کنیم مگر با تسویه) گریختند تا اینکه سودی به خود اختصاص داده و دیگران را بی‌بهره نمایند، خدا آنها را از رحمتش دور گرداند.» (فیض الاسلام، ج ۵: ۱۰۷۲)

تا قبل از ظهور دین مبین اسلام، در سایر نظام‌ها، مفاهیم حق و ذی‌حق وجود

داشت؛ اما در بعد اجرایی و عملیاتی این اسلام و امامت و خلافت علی علیه السلام بود که این منشور و اصول را جزء سیاست‌گذاری و قانون اساسی خود قرار داد تا هر حقی به ذی‌حق خود برسد. حق و عدالت در حکومت علی علیه السلام، یک امر واقعی بود نه یک فرضیه خیالی.

جنگ‌های جمل و صفین در حقیقت جنگ جمود و رکود فکری و روشن‌اندیشی و عدالت اجتماعی بود. انعطاف‌ناپذیری در امر عدالت اجتماعی در آغاز اولین دوره نظام وسیع و جهان‌ساز اسلامی برای امام علی علیه السلام دشمن‌ها درست کرد و همان‌طور که بارها توسط نویسندگان و تاریخ‌شناسان اظهار شده‌است، ایشان قربانی جمودها گردید و به شهادت رسید.

از دیدگاه امام علی علیه السلام، مقتضای عدالت اجتماعی، مساوات است؛ در شرائط حقوقی مساوی و نه در شرایط نامساوی که تبعیض در آن دخالت داشته‌است. در خطبه جنگ صفین، امام علی علیه السلام امت خود را به همکاری و مشورت با یکدیگر تشویق کرده می‌فرماید: «پس از حَق‌گویی با مشورت به عدل خوداری ننمایید زیرا من برتر نیستم از اینکه خطا کنم و از آن در کار خویش ایمن نمی‌باشم. مگر آنکه خدا از نفس من کفایت کند آن را که او به آن از من مالک‌تر و تواناتر است.» (شهیدی، ۱۳۸۳: ۴۲۷)

مهمترین رکن عدالت اجتماعی، مساوات کامل میان افراد یک جامعه در محصول عمل همگانی است و چنین جامعه‌ای امت اسلامی می‌باشد. در عدالت اجتماعی امام علی علیه السلام همگی در انسانیت یکسان و همگی از افراد مجتمع خود هستند؛ ولی این شرائط به تنهایی کافی نیست. زیرا به دنبال گفتار، کردار می‌آید و عدالت اجتماعی، یک عدالت بر مبنای کردار، اوامر و آیین اسلامی است. رأی و مشورت در چنین جامعه‌ای از اهداف عدالت اجتماعی است و منافع عمومی را تعیین می‌کند. (مولانا، ۱۳۸۰: ۲۰۶)

نتیجه

ظهور دین مبین اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین آسمانی با معرفی شخصیت های برجسته‌ای مانند ائمه معصومین علیهم‌السلام به عنوان منادیان و مجریان به حق این مکتب الهی و معنوی گره خورده است. به گونه‌ای که هرگاه مجالی برای اجرای قوانین و مقررات دین مبین اسلام در قالب حکومت از سوی ایشان فراهم گشته است مردم شیرینی و حلاوت آنرا در این دوران به خوبی چشیده‌اند. یکی از این مجال های تاریخی به حکومت امام علی علیه‌السلام به مدت پنج سال و در کوفه باز می‌گردد که در این بازه زمانی و تاریخی شاهد اجرای کامل این احکام و قوانین به دست شخصیتی برجسته و بی نظیر مانند ایشان هستیم. ویژگی های درونی و معنوی در قالب تقوی، سلوک فردی و در یک کلام تنها توجه به خدا و پروای از او از حکومت مورد اشاره وی حکومتی ساخت که عنصر عدالت به عنوان شاخصه اصلی آن به منصف ظهور نشست. به گونه‌ای که نام علی همواره با عدالت قرین گشت.

با توجه به سیره نظری و عملی این امام همام شاهد این مهم می‌باشیم که عدالت در ابعاد درونی (تقوای فردی) و بیرونی (اجرای لوازم تقوی) مورد عنایت ایشان بوده است. اگر مجری عدالت خود از ملکه تقوی و تزکیه نفس برخوردار نباشد آنگاه در اجرای بعد بیرونی آن در اجتماع به بیراهه خواهد رفت. در جای جای حکومت مولی الموحدین این دو بعد به صورت توأمان و قرین یکدیگر بوده‌اند. با توجه به این ملاک اساسی، عدالت در سیره ایشان شاخصه‌هایی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌یابد. در حوزه سیاسی که به گونه‌ای مستقیم با حقوق حاکم و مردم مرتبط است شاهد نگاه به حکومت به عنوان وسیله‌ای برای رشد و شکوفایی مادی و معنوی مردم می‌باشیم

که در این چارچوب زندگی رهبر حکومت در سطح زندگی پایین ترین افراد آن جامعه قرار گرفت. توجه به حقوق انسانی دشمن در جنگ، گماشتن قاضی عادل و آگاه به قوانین در امر قضاوت، دخالت دادن مردم در امر سیاست با مشورت با آنها و توجه به حقوق آنان و سخت گیری بر بیت المال به عنوان حق الناس در کنار سفارش های فراوان ایشان در قالب نامه هایی به والیان و نمایندگان حکومتی در حوزه سیاست می باشد. شاخصه دیگر مورد بررسی عدالت اقتصادی به عنوان وسیله ای برای رشد و شکوفایی جامعه مسلمین جهت ایجاد جامعه ای توحیدی و الهی در قالب گردش غیر انحصاری ثروت میان کلیه افراد جامعه بود که در این نوشتار مورد توجه قرار گرفت. دیگر شاخصه مورد بررسی عدالت اجتماعی بود که به دلیل شمول و گستردگی که دارد می تواند خود رنگ و بویی سیاسی و اقتصادی نیز بگیرد. رکن اساسی عدالت اجتماعی در سیره و کلام امام، حقوق برابر کلیه آحاد یک جامعه توحیدی در قالب فصلی مشترک به نام انسانیت می باشد. در این چارچوب همگان بایستی از حقوق حقه خویش به طور مساوی و بدون تبعیض بهره مند گردند.

اجرای چنین شاخصه هایی نیازمند به بهره مندی از ابعاد والای معنوی، الهی و تقوا و سلوک فردی می باشد. همیشه افراد گوناگونی در هر لباسی و منصبی به دنبال سنگ اندازی در راه اجرای عدالت و جلوگیری از توزیع عادلانه امکانات مادی و معنوی جامعه بوده و هستند و مقابله با آنان نیازمند خدا خواهی به جای دنیاخواهی در چارچوب عدالت درونی می باشد و این امر به خوبی در حضرت علی علیه السلام نمود یافت. به گونه ای که ایشان هم عادل بود و هم عدالت خواه.

علامه شهید مطهری می نویسد: «براستی علی مرتضی علیه السلام، مجسمه عدل و نمونه رحمت و محبت و احسان بود؛ و ضربتی که در راه انعطاف ناپذیری از حق و عدالت و

دفاع از حقوق انسان‌ها خورد، اگرچه او را آسوده کرد، اما جهان اسلام را تا ابد در مرگ همچو امام عادل‌ی سوگوار ساخت. او تنها عادل نبود، بلکه عدالت‌خواه نیز بود. بین عادل و عدالت‌خواه تفاوت است؛ همانطور که بین آزاد و آزادیخواه تفاوت است.» (مطهری، ۱۳۵۸: ۳)

کتابنامه

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید. (۱۹۶۷). شرح نهج البلاغه. ج ۷. الطبعة الثانية. بیروت: دارالکتب العربیه.
۴. الحر العاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۳ ق). وسائل الشیعه. ج ۱۵. طهران: مکتبه الاسلامی.
۵. ارسطو. (۱۳۵۶). اخلاق نیکوماخس. ترجمه ابوالقاسم پورحسینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. بهشتی، احمد. (۱۳۸۸). اندیشه سیاسی-تربیتی علوی در نامه های نهج البلاغه. ج ۱. چاپ سوم. قم: بوستان کتاب.
۷. تمیمی، عبدالواحد. (۱۳۷۸). غررالحکم و دررالحکم. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی حوزه علمیه قم.
۸. تمیمی، قاضی نعمان. (بی تا). دعائم الاسلام. ج ۲. تحقیق محمد بن عبدالغفار. قاهره: مکتب مدبولی.
۹. جرداق، جرج. (۱۳۹۳). امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانیت. ترجمه هادی خسروشاهی. ج ۱. ترجمه هادی خسروشاهی. تهران: انتشارات امام عصر (عج).
۱۰. ----- (۱۳۷۹). ترجمه مصطفی زمانی. ج ۵. تهران: انتشارات فراهانی.
۱۱. جعفریان، رسول. (۱۳۷۷). تاریخ خلفا. قم: نشر الهادی.
۱۲. خوانساری، سیدجمال الدین محمد. (۱۳۶۰). شرح غررالحکم و دررالحکم. ج ۲. به تصحیح سیدجلال الدین ارموی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. رسول زاده خوبی، سید اسماعیل. (۱۳۴۷). حکومت عدالت خواهی علی علیه السلام. تهران: انتشارات دنیا.

۱۴. شیروانی، علی. (۱۳۹۰). ترجمه نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر معارف.
۱۵. شهیدی، جعفر. (۱۳۸۳). ترجمه نهج البلاغه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۸۶). المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی.
۱۷. غنی‌نژاد اهری، موسی. (۱۳۹۱). آزادسازی و عملکرد اقتصادی. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
۱۸. فیض الاسلام، سید علی نقی. (۱۳۷۵). ترجمه و شرح نهج البلاغه. تهران: انتشارات فیض الاسلام.
۱۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۲۹ق). بحارالانوار. ج ۷۲. تهران: کتابخانه میرزا علی.
۲۰. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۰). سیاست‌نامه امام علی علیه السلام. با همکاری محمدکاظم طباطبایی، محمود طباطبایی نژاد. ترجمه مهدی مهریزی. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
۲۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۵۸). بیست گفتار. قم: انتشارات صدرا.
۲۲. ----- (۱۳۵۷). عدل الهی. قم: انتشارات صدرا.
۲۳. مولانا، حمید. (۱۳۸۰). مقاله «امام علی علیه السلام و ابعاد عدالت اجتماعی». کتاب نقد. بهار ۱۳۸۰. شماره ۱۸.
۲۴. میر معزی، سید حسین. (۱۳۹۰). نظام اقتصادی اسلام. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.